

اشغال ایران توسط متفقین و آثار آن

در این درس به موضوع جانشینی محمدرضا پهلوی، آثار حضور متفقین در ایران، تشکیل حزب‌های سیاسی، و تصاحب امکانات و منابع ایران به‌وسیله‌ی اشغالگران در جنگ جهانی دوم، پرداخته می‌شود. مذاکره‌های نفت و تلاش برای تجزیه‌ی ایران، به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر فلسطین از دیگر مباحث این درس است.

نخستین سال‌های حکومت محمدرضا پهلوی

پس از عزل رضاشاه توسط انگلیسی‌ها، محمدرضا شاه با حمایت انگلستان به سلطنت رسید (۲۶ شهریور ۱۳۲۰).

رضاشاه قبل از خروج از ایران توانست وکالت انتقال اموال فراوان و املاک زیادی را که در طول سلطنت خود از مردم غصب کرده بود، به پسرش، واگذار کند. و خود همراه با جواهرات سلطنتی که در حقیقت ثروت ملی بود، به جزیره‌ی «موریس»، تبعید شد و در پی آن، کشور میدان جوش و خروش و بحث‌های سیاسی شد؛ و در فرصت و آزادی به وجود آمده، همگان، به بحث درباره‌ی حوادث بیست سال گذشته پرداختند. مردم و مطبوعات، در مورد هزاران قتل، شکنجه، زندان و تبعید آزادی‌خواهان، و غصب اموال و تجاوز به حقوق عمومی، سؤال‌های بسیاری داشتند. یکی از مسائل جدی این دوران، محاکمه‌های جنجالی عوامل جنایت‌های دوران استبداد رضاشاه بود. خشم عمومی، سبب شد که معدودی از آن افراد، نظیر سرپاس رکن‌الدین مختاری، رئیس شهربانی تهران، مصطفی راسخ، رئیس زندان قصر و پزشک احمدی، پزشک زندان قصر که در جنایت‌های رضاشاه مشارکت داشتند، بازداشت و محاکمه شوند.

تصاحب امکانات و منابع ایران توسط متفقین

متفقین با تصاحب کلیه وسایل حمل و نقل خصوصی و دولتی، بخش قابل توجهی از امکانات کشور را در اختیار گرفتند.

در حالی که مردم ایران دچار قحطی شده بودند، مایحتاج عمومی از جمله گندم و برنج تولیدی داخلی به شوروی ارسال و یا توسط نیروهای اشغال‌گر مصرف می‌شد و کارخانه‌ها در اختیار متفقین قرار گرفت.^۱

از طرف دیگر، مجلس سیزدهم، در آبان ۱۳۲۱ اختیار تنظیم امور مالی و اقتصادی کشور را به «آرتور میلیسپو»، مستشار آمریکایی، سپرد. میلیسپو علاوه بر امور مالی، قدرت وضع مقررات و قوانین و تغییر قیمت ارز (در جهت منافع متفقین) را نیز یافته بود و بر امور مالی ارتش و شهربانی هم نظارت می‌کرد.

تشکیل حزب‌های سیاسی و دخالت بیگانگان

انگلستان، سیدضیاءالدین طباطبایی، عامل سیاسی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را، که در فلسطین به کار واسطگی خرید زمین از مسلمانان برای یهودی‌ها و کمک به اشغال آن اشتغال داشت^۲، به ایران بازگرداندند و او، حزب «اراده ملی» را تشکیل داد. شوروی نیز به کمک جمعی از کمونیست‌های سابق، حزب «توده» را تشکیل داد. سپس، با نفوذ در ارتش، «سازمان نظامی» آن حزب را تأسیس کرد. هم‌چنین، در آذربایجان و کردستان، فرقه‌ی «دمکرات» را سازمان داد. از طرف دیگر، قوام‌السلطنه، حزب «دمکرات» را ایجاد کرد، که گاهی متمایل به امریکا و زمانی متمایل به شوروی بود.

برخی از احزاب و دسته‌جات سیاسی نیز برای پیشبرد اهداف و مقاصد شاه و دربار تأسیس شدند^۳. جریان‌های مذهبی نیز چندین تشکل سیاسی و فرهنگی به وجود آوردند، جمعیت فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی از آن جمله است.

۱- پهلوی، محمدرضا، «پاسخ به تاریخ»، ترجمه حسین ابوترابیان، ص ۱۰۰.

۲- ن. ک: طبرانی، اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰)، ج ۲، ص ۳۰ به بعد؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۰۱؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۲؛ گذشته چراغ راه آینده است، ج ۲، ص ۱۵۱؛ عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، ج ۲، ص ۳۱-۳۶.

۳- در این باره می‌توان از حزب «آریا» و «حزب سوسیالیسم ملی کارگران» که به اختصار «سومکا» نامیده می‌شد، نام برد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

علت افزایش فعالیت احزاب سیاسی در سال‌های اولیه‌ی سلطنت محمدرضا شاه

چه بود؟

مذاکره‌های نفت و سیاست موازنه‌ی منفی

در سال ۱۳۲۳ ش. چندین شرکت نفتی انگلیس و آمریکا خواستار امتیاز نفت مناطق جنوب شرقی ایران (بلوچستان) ایران شدند. اعضای حزب توده در مجلس با اعطای امتیاز نفت به‌طور جدی مخالفت کردند. هم‌زمان دولت شوروی نیز درخواست امتیاز نفت شمال ایران را کرد، اما این بار حزب توده از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی حمایت کرد.^۱ دولت شوروی برای تحمیل امتیاز نفت شمال با استفاده از اهرم‌هایی چون حزب توده و عوامل داخلی‌اش و هم‌چنین قوای مسلح شوروی که به رغم پایان یافتن جنگ هم‌چنان در خاک ایران حضور داشتند، دولت و مجلس را تحت فشار گذاشت.^۲ سرانجام با تصویب طرحی در مجلس مبنی بر ممنوعیت دولت در مذاکره با نمایندگان رسمی و غیررسمی دولت‌های خارجی برای امتیاز نفت بدون تصمیم و تأیید مجلس^۳، این بحران فروکش کرد. این طرح به همت دکتر مصدق به مجلس ارایه شد و با اکثریت آرا به تصویب رسید.^۴ این اقدام به منزله‌ی اتخاذ سیاست موازنه‌ی منفی بود، یعنی ممنوعیت واگذاری امتیاز نفت به قدرت‌های شرق و غرب که در برابر سیاست موازنه‌ی مثبت که اعطای امتیاز نفت به دو قدرت شرق و غرب بود، اتخاذ گردید.

شکست تجزیه‌طلبان و تخلیه‌ی ایران از نیروهای شوروی

با وجود تعهدات دول متفق در طول جنگ مبنی بر احترام به حق حاکمیت ایران و تخلیه‌ی سریع کشور پس از خاتمه‌ی جنگ (حداکثر ظرف شش ماه)، دولت‌های آمریکا و انگلستان اقدام به خروج نیروهای نظامی خود از ایران کردند، اما هنوز نشانه‌ای از تخلیه‌ی ایران از سوی قوای شوروی مشاهده نمی‌شد. این دولت اهداف جاه‌طلبانه‌ای را دنبال می‌کرد. از جمله ایجاد حاشیه‌ی امنیتی و منطقه‌ی حائل

۱- ن. ک. بهروز، شورشیان آرمانخواه، ناکامی چپ در ایران، ص ۳۸-۳۹.

۲- هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۴۲۹-۴۳۸.

۳- کی‌استون، سیاست موازنه‌ی منفی در مجلس چهاردهم، ص ۱۹۳.

۴- لسانی، طلای سیاه یا بلای ایران، ص ۴۳۶؛ مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه، ۷۹، مورخ ۷ آذرماه ۱۳۲۳، روزنامه‌ی رسمی

از طریق تجزیه‌ی برخی از مناطق ایران (آذربایجان ایران و الحاق آن به آذربایجان شوروی) و دست‌یابی به امتیاز نفت شمال و...، زیرا از اوایل قرن بیستم امتیاز نفت جنوب در دست انگلیسی‌ها بود.^۱ بنابراین در آذربایجان که تحت اشغال شوروی‌ها بود، فرقه‌ی دمکرات، مقدمات جداسازی آن را از ایران فراهم کرد. این گروه از شوروی تجهیزات جنگی دریافت می‌کرد و با پشتیبانی نیروهای نظامی شوروی اقدام به تضعیف حاکمیت دولت مرکزی ایران و اشغال بخش‌هایی از آذربایجان کرد.

به مدت کوتاهی پس از بحران آذربایجان، حزب دمکرات کردستان نیز در بهمن ماه ۱۳۲۴ رسماً در مهاباد جمهوری خودمختار کردستان را اعلام کرد. فرقه‌ی دمکرات به دلیل وابستگی‌اش به شوروی و تفکرات مارکسیستی فاقد پشتوانه‌ی مردمی بود.

سرانجام غائله‌ی آذربایجان و کردستان که به بحران بزرگی تبدیل شد و ممکن بود باعث تجزیه‌ی این دو بخش از خاک ایران شود، با رشادت و مقاومت مردم وطن‌خواه و مسلمان آذربایجان و کردستان و با همان سرعتی که آغاز شده بود، به پایان رسید. البته فشارهای بین‌المللی^۲ و تلاش‌های قوام السلطنه که وعده‌ی امتیاز نفت شمال را به شوروی داده بود در این ماجرا تأثیر داشت.^۳

دولت‌های بی‌ثبات

پس از خروج متفقین از ایران، دولت‌های بی‌ثباتی یکی پس از دیگری روی کار آمدند. با سقوط دولت قوام السلطنه، در طول سه سال - از آذرماه ۱۳۲۶ تا اردیبهشت ۱۳۳۰ - شش دولت بر سر کار آمد.^۴ دخالت‌های آشکار و پنهان بیگانگان و عوامل آن‌ها در امور داخلی ایران، ناهماهنگی میان مجلس و دولت و بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از آن نقش اساسی در تزلزل کابینه‌ها در آن دوره داشت.

۱- ن. ک: هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۴۲۸.

۲- سیاست انگلستان و آمریکا برای جلوگیری از گسترش نفوذ روس‌ها در منطقه‌ی حساس خلیج فارس و ایران که منجر به اعمال فشار از طریق سازمان ملل گردید و همچنین توافق کنفرانس تهران (۱۳۲۲) از جمله عوامل بین‌المللی بود که در پایان دادن به غائله‌ی آذربایجان و شوروی مؤثر بود.

۳- روبین، جنگ قدرت‌ها در ایران، ص ۴۵؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۸؛ ازغندی، روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده)، ص ۱۴۳؛ بیانی، غائله‌ی آذربایجان، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۳۳-۲۷۱؛ اسکندری، خاطرات سیاسی، ج ۳، ص ۶۸؛ کشاورز، من متهم می‌کنم، ص ۷۰؛ طبری، کزراهه، خاطراتی از حزب توده، ص ۱۹۲-۱۹۷؛ بهروز، شورشیان آرمانخواه، ص ۴۵-۴۰.

۴- این کابینه‌ها عبارت بود از ۱- ابراهیم حکیمی ۲- عبدالحسین هژیر ۳- محمد ساعد مراغه‌ای ۴- علی منصور

به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس

روی کار آمدن مجدد محمدساعده مراغه‌ای (در مهرماه ۱۳۲۷)، همزمان با اعلام موجودیت دولت صهیونیستی در سرزمین غصب شده‌ی فلسطین بود. در این ارتباط، به دعوت آیت‌الله کاشانی و سیدمجتبی نواب صفوی، رهبر «فداییان اسلام»، اجتماع‌هایی گسترده در حمایت از مردم فلسطین برپا شد و بیش از پنج هزار نفر فدایی، برای اعزام به آن سرزمین، ثبت نام کردند.^۱ ولی در اوج کشمکش‌های منطقه‌ای و التهاب‌های داخلی ناشی از اشغال فلسطین، محمد ساعده مراغه‌ای، پس از دریافت چهارصد هزار دلار رشوه از اسرائیل، ضمن تعویض وزیر خارجه، با موافقت شاه، در دی‌ماه ۱۳۲۸، دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت.^۲

بیش‌تر بدانید

پیدایش دولتی بر پایه‌ی صهیونیسم

فکر ایجاد یک کشور یهودی در فلسطین برای اولین بار توسط هررتل^۳ با انتشار کتاب دولت یهود در سال ۱۸۹۶م. به وجود آمد. تا قبل از جنگ جهانی اول فلسطین جزو قلمرو حکومت عثمانی بود. در جریان جنگ جهانی اول که این دولت به شدت ضعیف شده بود، انگلستان، فلسطین را به تصرف خود درآورد. در سال ۱۹۱۷م./۱۳۳۶ق. آرتور جیمز بالفور^۴ وزیر خارجه‌ی وقت انگلستان طی اعلامیه‌ای پشتیبانی انگلستان را از تأسیس کانون ملی یهودیان اعلام کرد. این بیانیه به منزله‌ی سنگ بنای رژیم اشغالگر فلسطین بود. صدور اعلامیه‌ی بالفور در فلسطین با مخالفت عمومی مواجه شد اما چون در آن زمان فلسطین زیر سلطه‌ی نیروهای انگلستان بود، مردم فلسطین نمی‌توانستند دست به اقدامی عملی بزنند.

در سال ۱۹۲۰م. جامعه‌ی ملل، قیمومیت فلسطین را به انگلستان سپرد. بدین ترتیب راه برای مهاجرت گسترده‌ی یهودیان هموار شد که موجب نگرانی مسلمانان و ساکنان این سرزمین شد. به‌ویژه آن‌که برخی از گروه‌های شبه نظامی یهودی، اقدام به آزار و اذیت و ترور مسلمانان به منظور بیرون راندن آن‌ها از خانه و کاشانه‌شان می‌کردند.

در طول جنگ جهانی دوم، صهیونیست‌ها با تبلیغات گسترده اقدام به مهاجرت و کوچ دادن یهودیان به سرزمین فلسطین کردند و پس از جنگ در سال ۱۹۴۸م. سازمان ملل متحد با اعمال نفوذ و حمایت قدرت‌های بزرگ غربی و روسیه رأی به تقسیم سرزمین فلسطین و تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل داد.

۱- مدنی، ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، ص ۲۴.

۲- ولایتی، ایران و مسئله‌ی فلسطین بر اساس اسناد وزارت امور خارجه، ص ۱۲۷-۱۲۹.

۳- Herzel

۴- Arthur. James Balfour

تغییر قانون اساسی برای افزایش اختیارات شاه

طرح الغای قرارداد نفت جنوب در مجلس، منافع دولت انگلستان را یکباره برهم زد. سوء قصد به شاه در حادثه‌ی ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ با همه‌ی پنهان‌کاری‌هایی که در پشت پرده انجام شد، برای این هدف طراحی شده بود که مبارزه‌ی ضد استعماری ملت ایران متوقف گردد. پس از این واقعه، حزب توده، به عنوان عامل نفوذ سیاست خارجی شوروی منحل و آیت‌الله کاشانی ابتدا به زندان فلک‌الافلاک خرم‌آباد و سپس به لبنان تبعید شد. آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه‌ی شدیداللحنی درخواست لغو امتیاز نفت داده شده به انگلیس در زمان رضاشاه را مطرح کرده بود. محمدرضا شاه توانست در پنجم اسفند ۱۳۲۷ و در شرایط روانی به وجود آمده ناشی از ترورش - از جمله، برقراری «حکومت نظامی» - کار تغییر قانون اساسی را به انجام رساند. شاه که در قانون اساسی مشروطه غیرمستول و فاقد اختیارات بود، در قانون اساسی جدید قدرت انحلال دو مجلس، فرماندهی کل قوا، اعلان جنگ و صلح و نصب وزراء را به دست آورد.^۱

پرسش‌های نمونه

- ۱- در اوایل سلطنت محمدرضا شاه چه احزابی در ایران تشکیل شد؟
- ۲- دولت شوروی برای به دست آوردن امتیاز نفت، از چه راه‌هایی ایران را تحت فشار گذاشت؟
- ۳- چرا دولت شوروی از تخلیه‌ی خاک ایران از نیروهای خود، خودداری می‌کرد؟
- ۴- محمدرضا شاه با تغییر قانون اساسی در پنجم اسفند ۱۳۲۷، چه اختیاراتی به دست آورد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در زمینه‌ی حمایت دولت شوروی از فرقه‌های تجزیه طلب دموکرات در کردستان و آذربایجان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد اولین مقاومت‌های مجلس شورای ملی در مقابل واگذاری امتیازات نفتی به کشورهای خارجی مطلبی تهیه کنید.

۱- مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۷۸.

نهضت ملی شدن صنعت نفت

در درس گذشته با مذاکرات نفت شمال و فرجام آن آشنا شدید. در این درس با چگونگی وحدت میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق و تلاش‌های مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت و پیامدهای آن آشنا می‌شوید.

زمینه‌های شکل‌گیری نهضت ملی شدن نفت ایران

دولت انگلستان که از محصول نفت ایران و سایر کشورهای خاورمیانه درآمد به‌سزایی کسب می‌کرد،^۱ نماینده‌ی خود «نویل گس» را در چند مرحله برای انجام مذاکرات نفت به ایران فرستاد. او سرانجام در سال ۱۳۲۸ پس از مذاکرات مفصل با گلشائیان وزیر دارایی، قرارداد الحاقی به قرارداد ۱۹۳۳ ایران و انگلستان را که به قرارداد «گس - گلشائیان» معروف شد^۲، امضا کرد. محمدساعده^۳ که قول داده بود قرارداد الحاقی را به تصویب برساند، در پایان دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی آن را به مجلس برد ولی بر خلاف تصور او، نمایندگان مجلس به لایحه‌ی مذکور رأی ندادند. این موضوع و هم‌چنین آگاهی مردم از ماهیت استعماری قراردادهای قبلی زمینه را برای مخالفت‌های بعدی و تلاش برای ملی کردن صنعت نفت ایران فراهم کرد. دولت ساعد به دلیل عدم تصویب قرارداد الحاقی استعفا کرد. دو ماه بعد از تشکیل دوره‌ی شانزدهم مجلس، علی منصور^۴ به نخست‌وزیری منصوب شد. او مجدداً لایحه‌ی قرارداد الحاقی را به مجلس ارائه کرد.

۱- تاتزر، بحران انرژی، ص ۵۴.

۲- این قرارداد استعماری در سال ۱۳۱۲ ش./۱۹۳۳ م. بعد از لغو قرارداد «داری» در زمان رضاشاه منعقد شد.

۳- گلشائیان، گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من، ج ۲، ص ۸۲۲.

۴- نخست‌وزیری محمد ساعد مراغه‌ای (دوره‌ی دوم) از مهرماه ۱۳۲۷ آغاز و در فروردین ماه ۱۳۲۹ پایان یافت.

۵- نخست‌وزیری علی منصور از فروردین ۱۳۲۹ آغاز و در تیرماه همان سال به پایان رسید.

جبهه‌ی ملی به رهبری دکتر محمد مصدق که در سال ۱۳۲۸ ش. تأسیس شد، در مجلس در اقلیت قرار داشت اما از محبوبیت برخوردار بود. این جبهه یک فراکسیون هشت نفره تشکیل داده بود که هدف آن مخالفت با قرارداد الحاقی «گس - گلشائیان» بود^۱.
در همین زمان آیت‌الله کاشانی بعد از حدود یک سال تبعید در میان استقبال با شکوه مردم به ایران بازگشت و روح تازه‌ای به مبارزات ضد استعماری دمید^۲. آیت‌الله کاشانی که از نفوذ و محبوبیت زیادی در میان مردم برخوردار بود، به حمایت از دکتر مصدق پرداخت. در نتیجه موجب پیوستن مردم و نیروهای مذهبی به مبارزات ضد استعماری شد.

برگی از تاریخ

آیت‌الله کاشانی (۱۲۶۱-۱۳۴۰ ش)

آیت‌الله کاشانی در ۱۲۶۱ ش. در تهران به دنیا آمد. در شانزده سالگی راهی نجف شد. در



آن جا به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از جنگ جهانی اول و اشغال عراق توسط انگلیس همگام با علمای مبارز به جهاد با انگلیس پرداخت. انگلیسی‌ها او را دستگیر و به ایران تبعید کردند. در زمان حضور او در ایران، نهضت ملی شدن نفت شروع شد. او با رهبری نیروهای مذهبی به حمایت از نهضت ملی و دکتر مصدق پرداخت و نقش بسیار مؤثری در پیشرفت این نهضت داشت.

سرانجام بار دیگر مجلس با پشتیبانی مردم از تصویب لایحه‌ی قرارداد الحاقی خودداری کرد. در نتیجه دولت منصور به طور غیر منتظره‌ای استعفا کرد و رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش با تشکیل کابینه‌ای جدید به نخست‌وزیری رسید^۳.

۱- ن. ک: نجانی، جنبش ملی شدن نفت، ص ۸۴-۸۶؛ روزنامه‌های شاهد و ستاره ۱۳۲۸/۷/۲۱ و ۱۳۲۸/۷/۲۳. سنجایی، خاطرات سیاسی، ص ۱۰۷-۱۰۸؛ عراقی. ناگفته‌ها، ص ۴۰ و ۴۱؛ یرواند، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۰.

۲- سمیعی، سی و هفت سال، ص ۱۶.

۳- نخست‌وزیری حاج علی رزم‌آرا از تیرماه ۱۳۲۹ آغاز و در اسفندماه همان سال با قتل وی به پایان رسید.

دولت رزم‌آرا مانعی بر سر راه ملی شدن نفت ایران

با روی کار آمدن دولت رزم‌آرا که مورد حمایت انگلستان و آمریکا بود، اتحاد نیروهای مذهبی و ملی افزایش یافت.^۱ آیت‌الله کاشانی و جبهه‌ی ملی اعلامیه‌ای علیه نخست‌وزیری رزم‌آرا صادر کردند و تشکیل دولت او را شبه کودتا نامیدند.^۲ رزم‌آرا می‌دانست که اگر لایحه‌ی الحاقی در دستور کار مجلس قرار بگیرد و بار دیگر رد شود، این موضوع باعث حساسیت افکار عمومی و آگاهی فزاینده‌ی مردم نسبت به سیاست‌های استعماری دولت انگلستان در قبال مسائل نفتی ایران می‌شود.^۳

نمایندگان اقلیت مجلس طرح «ملی شدن صنعت نفت» را به مجلس ارائه کردند اما به دلیل کمبود امضا، این طرح در مجلس طرح نشد.^۴ رزم‌آرا برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت ایران به‌طور محرمانه وارد مذاکره با انگلستان شد و پیشنهاد جدیدی به جای قرارداد الحاقی که متضمن منافع انگلستان بود،^۵ ارائه کرد. علاوه بر این او با تحقیر روحیه‌ی ملی اعلام کرد که ایرانیان حتی قادر به اداره‌ی یک کارخانه‌ی سیمان نیستند و ملی کردن صنعت نفت ایران را بزرگ‌ترین خیانت برشمرد.^۶ در پی گسترش اعتراض‌های مردمی علیه رزم‌آرا در تهران گردهمایی‌های متعددی برگزار شد. مردم در این تظاهرات خواستار ملی شدن صنعت نفت بودند اما قدرت سیاسی و نظامی رزم‌آرا و تعداد کم نمایندگان مدافع نهضت ملی شدن نفت در مجلس، سبب بی‌نتیجه ماندن این فعالیت‌ها شد.^۷ سرانجام خلیل طهماسبی از اعضای برجسته‌ی فداییان اسلام رزم‌آرا را به قتل رساند.^۸ انگلستان که مهره‌ی قدرتمندی را در ایران از دست داده بود، کشته شدن رزم‌آرا را یک فاجعه توصیف کرد. بهای سهام

۱- عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۲۰.

۲- عاقلی، روز شمار تاریخ ایران، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳- ن. ک: اقبال، نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۴۸.

۴- تعداد ۱۱ نفر از نمایندگان این طرح را امضا کردند در حالی که حد نصاب برای ارایه‌ی یک طرح به مجلس ۱۵ نفر بود.

۵- مشابه موافقتنامه‌ی شرکت نفت آمریکایی آرامکو با عربستان سعودی. ن. ک: گذشته چراغ راه آینده، ص ۵۵۶.

۶- همان، ص ۴۶۱.

۷- لسانی، طلای سیاه یا بلای ایران، ج ۲، ص ۲۲۸.

۸- در ملاقات میان اعضای فداییان اسلام، آیت‌الله کاشانی و رهبران جبهه ملی، همگی به توافق رسیده بودند که با از میان برداشتن رزم‌آرا صنعت نفت ملی خواهد شد. در این باره ن. ک: حسنین هیکل، ایران کوه آتشفشان، ص ۱۸۴؛ خوش‌نیت، سید مجتبی نواب صفوی اندیشه‌ها، مبارزات و شهادت او، ص ۵۱؛ عراقی، ناگفته‌ها، ص ۴۵. خسروشاهی، فداییان اسلام تاریخ، عملکرد، اندیشه، ص ۱۱۳-۱۱۷؛ خاطرات واحدی، مجله خواندنی‌ها، ش ۱۱، سال ۱۶، مورخ ۱۳۳۴/۸/۱۹؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۸۵.

شرکت نفت انگلستان به سرعت تنزل کرد. فردای آن روز یعنی در ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۹ کمیسیون نفت مجلس پیشنهاد ملی کردن نفت را تصویب کرد.^۱

تصویب ملی شدن صنعت نفت

طرح ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ در مجلس به تصویب رسید و شادی و جشن سراسر کشور را فرا گرفت و ۵ روز بعد در ۲۹ اسفند ماه مجلس سنا همان مصوبه را تأیید و شاه نیز آن را امضا کرد.^۲ دولت انگلستان برای جلوگیری از به خطر افتادن منافعش در ایران شاه را تحت فشار قرار داد. آن دولت قصد داشت با انتصاب حسین علاء به نخست‌وزیری مانع از اجرای قانون ملی شدن نفت گردد.^۳

حسین علاء فردی بود که در ماجرای قرارداد ۱۹۳۳ م. / ۱۳۱۲ ش. در زمان رضاشاه شرکت داشت و در کنار تقی‌زاده از عاقدین آن قرارداد ننگین بود. علاء^۴ برای آرام کردن بحران و مناقشات نفتی در خوزستان و متعاقباً در سایر مناطق نفت‌خیز جنوب حکومت نظامی برقرار کرد. حسین علاء برای الغای قانون ملی شدن نفت تلاش زیادی کرد اما در برابر اراده‌ی مردم ناکام ماند و سرانجام به علت ناتوانی در حل بحران نفت استعفا داد.

دکتر محمد مصدق بر سریر قدرت

دکتر محمد مصدق، در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مأمور تشکیل کابینه شد و مجلس‌های شورای ملی و سنا، طرح اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رساندند. مصدق با شرط تصویب این طرح، نخست‌وزیری را پذیرفت. طبق این طرح، دولت می‌بایست به خلع‌ید شرکت نفت ایران و انگلیس از نفت کشور می‌پرداخت؛ اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت را تنظیم می‌کرد و نفت ایران را به مشتریان به نرخ عادلانه به فروش می‌رساند.

۱- نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲- گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۳۲.

۳- سفیر انگلستان در تهران در اولین واکنش به تصویب ملی شدن صنعت نفت اعلام کرد: «ایران نمی‌تواند این ظلم را در حق ما مرتکب شود». ن. ک: ماسلی، نفت. سیاست و کودتا در خاورمیانه از امتیاز داری تا کودتای ۲۸ مرداد، ج ۱، ص ۳۱۳.

۴- نخست‌وزیری حسین علاء از اسفندماه ۱۳۲۹ آغاز و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ به مدت ۲ ماه ادامه یافت.

دکتر مصدق (۱۲۶۱-۱۳۴۵ ش)



دکتر محمد مصدق در ۱۲۶۱ در تهران به دنیا آمد. وی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تحصیل پرداخت و بعدها برای تکمیل تحصیلات خود راهی سوئیس شد.

بعد از بازگشت به ایران عهده دار مناصب مهمی نظیر وزارت دادگستری و استانداری فارس شد. در دوره‌ی پنجم و چهاردهم از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. وی از سال ۱۳۲۹ ش. رهبری نهضت مردمی برای ملی

کردن نفت را به عهده گرفت. دکتر مصدق در جریان این نهضت به نخست وزیری انتخاب شد اما در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اثر کودتایی که از سوی آمریکا و انگلیس و طرفداران شاه برپا شد، از نخست وزیری عزل و در احمدآباد تحت نظر قرار گرفت تا این که در سال ۱۳۴۵ درگذشت. وی یکی از پیشگامان نهضت ضد استعماری عصر ما بود که نه تنها در ایران بلکه در بین کشورهای جهان سوم هم از او به عنوان کسی که شجاعانه و با سرسختی تحسین برانگیزی مقابل استعمار انگلیس ایستاد، نام می برند.

در این دوره دولت با تقویت وحدت ملی، تلاش برای ملی شدن صنعت نفت را پی گرفت و هیئت خلعید از شرکت نفت، اقدام‌های خود در مورد انتقال شرکت را آغاز کرد.

دولت انگلستان ضمن شکایت به دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه، تهدید کرد که «چهار هزار چترباز و رزمناوهای خود را به مرز آبی ایران خواهد فرستاد». اما در نقطه‌ی مقابل، آیت‌الله کاشانی اظهار داشت که «اعلام جهاد خواهد نمود».

با اقدام‌های دولت ایران در خلعید از شرکت نفت ایران و انگلیس، کارشناسان خارجی شرکت به‌طور دسته‌جمعی استعفا کردند و تلاش دکتر مصدق برای راضی کردن آنان به ادامه‌ی کار، به‌جایی نرسید. به دنبال آن، دولت کوشید از کشورهای دیگر نظیر آمریکا و هلند کارشناس استخدام کند اما به‌دلیل اعمال نفوذ انگلیس، موفق به این کار نشد. به همین سبب، تولید نفت، تا حد رفع نیاز داخلی، کاهش یافت. جز این، کشتی‌های نفتکش نیز، از بارگیری نفت ایران خودداری کردند. به این ترتیب در مرداد ۱۳۳۰، آخرین واحد پالایشگاه آبادان تعطیل شد.

۱- «تاریخ ملی شدن صنعت نفت»، ص ۱۳۳.

با شکایت دولت انگلستان از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، دکتر مصدق، برای پاسخ‌گویی در مورد ملی کردن صنعت نفت و اخراج انگلیسی‌ها به نیویورک رفت. او اسنادی از دخالت دولت انگلستان در امور داخلی ایران را به سازمان ملل متحد عرضه کرد.^۱ در همین زمان دولت آمریکا طرح جدیدی درباره‌ی کشمکش ایران و انگلیس ارائه داد. شورای امنیت نیز، به مسکوت ماندن شکایت انگلیس رأی داد. در نتیجه رأی شورا به نفع ایران تمام شد.^۲

به علت قطع صادرات نفت و تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دولت انگلستان، درآمد دولت به سرعت کاهش یافت و کشور دچار مشکلات شدید اقتصادی شد. در نتیجه دولت ناچار به فروش اوراق قرضه شد.^۳

پرسش‌های نمونه

- ۱- رزم‌آرا در مقابل ملی شدن صنعت نفت چه اقدامی انجام داد؟
- ۲- مصدق در دوره‌ی اول نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد و عکس‌العمل دولت انگلستان در مقابل اقدامات او چه بود؟
- ۳- حسین علاء در دوره‌ی نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- گزارشی از مذاکرات نمایندگان مخالف و موافق ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی تهیه کنید.
- ۲- در مورد زندگی و اقدامات شهید نواب صفوی مطلبی تهیه کنید.

۱- مصدق، اسناد نفت، نطق‌ها و نامه‌های تاریخی، ص ۱۶۷.

۲- ن. ک: گازپوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶۸؛ فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۵۶۸؛ روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران، ص ۲۲۲-۲۲۴.

۳- مکی، وقایع سی تیر ۱۳۳۱، ص ۳۲-۳۷؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۲.

زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد

در این درس، با علت‌های استعفای دکتر مصدق، قیام سی تیر و پیامدهای آن، نقش آیت‌الله کاشانی در سقوط دولت قوام‌السلطنه و روی کار آمدن مجدد دولت مصدق، زمینه‌های کودتا علیه دولت مصدق آشنا می‌شوید.

قیام ۳۰ تیر

در تیرماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق برای مواجهه با مخالفان داخلی که در رأس آن دربار قرار داشت، از شاه خواست تا پست وزارت جنگ را در اختیار وی قرار دهد و چون شاه نپذیرفت، مصدق استعفا کرد.^۱

بلافاصله پس از استعفای دکتر مصدق، شاه، قوام‌السلطنه را مأمور تشکیل کابینه کرد. قوام‌السلطنه، طی اعلامیه‌ی شدیدالحنی به طرفداران نهضت ملی شدن نفت حمله کرد و تهدید به اجرای «اعدام‌های دسته‌جمعی» کرد. در پی آن آیت‌الله کاشانی از مردم خواست تا برای مقابله با قوام به میدان بیایند و اعلام کرد: «به خدای لایزال، اگر قوام نرود، اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت، در پیکار شرکت می‌کنم.» تلاش‌های دربار و نمایندگان قوام‌السلطنه در متقاعد کردن آیت‌الله کاشانی به نتیجه نرسید. آیت‌الله کاشانی اعلام کرد: «اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق اقدام نشود آتش انقلاب را متوجه دربار خواهیم کرد».^۲ در اولین ساعات روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ مردم تهران درحالی که در محاصره‌ی نیروهای نظامی و انتظامی و تانک‌ها و زره‌پوش‌ها قرار داشتند بی‌محابا به حرکت درآمدند و حماسه‌ای ملی و غرورآفرین خلق کردند. رشادت مردم تهران و سایر شهرهای کشور

۱- کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، ص ۲۲۲؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۲۷؛ نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ص ۲۲۲ - ۲۲۷. بعدها دکتر مصدق گفت: «اکنون اعتراف می‌کنم که راجع به استعفا خطای بزرگی مرتکب شدم». ن.ک: مصدق، خاطرات و تألمات، ص ۲۵۹.

۲- کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، ص ۲۳۴.

که منجر به شهادت تعدادی از آنها شد، موجب گردید تا شاه با برکناری قوام بار دیگر دکتر مصدق را به نخست‌وزیری منصوب کند.^۱

دور دوم نخست‌وزیری دکتر مصدق

با روی کار آمدن مجدد دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس انتخاب شد و دکتر مصدق علاوه بر ریاست دولت، وزارت جنگ را نیز شخصاً بر عهده گرفت و از موقعیت مستحکمی برخوردار شد.^۲

با وجود این در آن دوران حوادث عبرت‌انگیزی روی داد که زمینه‌های بروز اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را فراهم کرد.^۳ این اختلافات با دسیسه‌چینی کانون‌های توطئه‌ی خارجی و عوامل داخلی‌اش تشدید شد. انگلستان که از ملی‌شدن نفت ایران ضربه خورده بود، به توطئه‌هایی علیه دولت مصدق دست زد. تا زمانی که اتحاد و همبستگی در میان رهبران نهضت وجود داشت، نهضت از حمایت گسترده و پشتیبانی مردم و افکار عمومی برخوردار بود، توطئه‌های سهمگین خارجی و دسیسه‌های شاه و دربار که در رأس آن مخالفان داخلی قرار داشتند، مؤثر واقع نشد. با بروز اختلاف و شکاف در میان رهبران نهضت، کوچک‌ترین توطئه مبدل به ضربه‌ی سهمگین بر بیکر ملی‌شدن صنعت نفت می‌شد و پایه‌های حمایت و پشتیبانی مردم که عامل مهمی در رویارویی با استعمار خارجی به شمار می‌رفت، سست می‌کرد.

در چنین شرایطی رهبران نهضت که برای قطع دست استعمار از منافع ملی ایران تلاش می‌کردند و

۱- در این باره ن. ک: ترکمان، قیام سی‌ام تیرماه به روایت اسناد، ص ۳۵-۳۸؛ مکی، وقایع ۳۰ تیر، ص ۱۷، ۹۳ و ۱۲-۱۳؛ نجاتی، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت، ص ۲۲۷؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ اقبال، نقش انگلستان در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۹۷-۹۵، ص ۱۰۲.

۲- به گفته‌ی فردوست: شاه در این زمان بدون اجازه‌ی مصدق دست به اقدامی نمی‌زد: ن. ک: فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۶۹.

۳- از جمله اختلافات؛ موضوع سیاست ممانعات، مسامحه و عدم تعقیب و مجازات مسببان کشتار مردم در سی‌ام تیرماه از سوی دولت و روی کار آمدن برخی از افراد که از حسن سابقه برخوردار نبودند و بعدها مسئله‌ی تمدید اختیارات به‌ویژه درخواست اختیارات فوق‌العاده از سوی دکتر مصدق و اقدام وی مبنی بر انحلال مجلس هفدهم از طریق رفتارندوم و مراجعه‌ی مستقیم به آرای عمومی بود. در این باره ن. ک: بیل، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ص ۱۵۶؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۴۶۹-۴۷۰؛ گذشته چراغ راه آینده است، ج ۲، ص ۵۶۲-۵۶۷؛ اخوی، نقش روحانیت در صحنه‌ی سیاسی ایران ص ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۸۲-۱۸۱؛ کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

می‌خواستند که ایرانی خانه‌ی خویش را خود بسازد^۱، در رویارویی با توطئه‌های خارجی و دسیسه‌چینی مخالفان داخلی توانستند اهداف نهضت را به ثمر برسانند.

ضعف ساختاری و بی‌کفایتی برخی از اعضای کابینه‌ی دولت، رقابت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها، روند جدایی و بروز شکاف و تشتت سیاسی مانع از آن شد که بار دیگر مردم هم‌چون واقعه‌ی ۳۰ تیر در صحنه‌ی مبارزه حاضر شوند.

عوامل زمینه‌ساز کودتای ۲۸ مرداد

الف - عوامل خارجی:

۱- آمریکا: مواضع دولت آمریکا در قبال نهضت ملی شدن نفت از سیاست حمایت و میانجی‌گری به تدریج به بهانه‌ی مقابله با نفوذ کمونیست‌ها در ایران، تبدیل به مداخله‌گری و توسل به عملیات براندازی و کودتا شد. دولت آمریکا^۲ در چارچوب رقابت‌های نفتی با انگلستان در خاورمیانه و سهم‌خواهی‌اش از نفت ایران، از قانون ملی شدن نفت پشتیبانی کرد؛^۳ زیرا این اقدام به انحصار شرکت نفت ایران و انگلیس پایان می‌داد. شرط حمایت آمریکا از ایران در این دوران که در جنگ سرد^۴ با شوروی به سر می‌برد، این بود که ایران به هر قیمتی متحد غرب باقی بماند.^۵ علاوه بر این، آمریکا خواهان حفظ ثبات بازار نفت در جهان برای جلوگیری از بحران اقتصادی در کشورش بود.^۶ این اهداف متضمن تضعیف دولت مصدق و براندازی او نبود.^۷ با این حال مقامات رسمی ایالات متحده‌ی آمریکا از اقدامات محرمانه‌ی انگلستان

۱- از نطق دکتر مصدق هنگام معرفی کابینه‌اش در سال ۱۳۳۰. ن. ک. گذشته چراغ راه آینده است، ص ۱۷۷.

۲- در آن زمان ترومن، رئیس‌جمهور دمکرات آمریکا بود.

۳- آمریکا در ابتدای روی کار آمدن دولت ملی مصدق آن را سدی در برابر سقوط ایران در دامن کمونیسم می‌دانست. ن. ک: بیل، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ص ۳۹.

۴- جنگ سرد: پس از پایان جنگ جهانی دوم دو بلوک شرق (کمونیسم) و غرب (سرمایه‌داری) در یک دسته‌بندی جدید به رقابت‌های نظامی و سیاسی با یکدیگر پرداختند. ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای، رقابت‌های تسلیحاتی، تبلیغات رادیویی و سعی در ایجاد وحشت در طرف مقابل، از ویژگی‌های این دوره است. سال ۱۹۸۹ م. یعنی سال انهدام دیوار برلین را پایان عصر جنگ سرد می‌دانند.

۵- گازیو روسکی، کودتای ۲۹ مرداد، ص ۳۸؛ حضور چهره‌های طرفدار آمریکا در کابینه‌ی اول مصدق هم‌چون سرلشکر زاهدی، وزیر کشور و رهبر آینده‌ی کودتا، علی‌امینی و مظفر بقایی نشان می‌دهد که آن‌ها تا زمانی از مصدق حمایت می‌کردند که او با آمریکایی‌ها روابط خوبی داشت و با تغییر سیاست آمریکا آن‌ها به عنوان مخالف در برابر دکتر مصدق قرار گرفتند (ن. ک: بهروز، شورشیان آرمانخواه، ص ۴۴)

۶- گازیو روسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶۵.

۷- در این سیاست که توسط آچسون (Dean Acheson) وزیر وقت امور خارجه‌ی آمریکا طراحی شده بود، آمریکا تلاش می‌کرد

انگلیسی‌ها را آرام و در عین حال مصدق را به مصالحه با انگلستان متقاعد سازد.

علیه دولت مصدق اطلاع داشتند. آن‌ها در این باره با همتای انگلیسی خود بحث و تبادل نظر می‌کردند.^۱ انگلیسی‌ها به شرکت‌های نفتی آمریکایی اجازه‌ی ورود به امور نفتی ایران را دادند؛ زیرا آن‌ها نیاز شدید به همکاری آمریکا در اجرای طرح کودتا داشتند. انگلستان برای این کار توانست خطر حزب توده را بهانه کرده و از آن به عنوان وسیله‌ای برای جلب توجه افکار عمومی آمریکا سود ببرد.^۲

واقعیت این بود که هم انگلستان و هم دکتر مصدق برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی‌شان از حزب توده استفاده‌ی ایزاری داشتند؛ بنابراین مطرح کردن حزب توده از سوی دکتر مصدق برای جلب حمایت آمریکایی‌ها یک خنجر دو سوویه بود؛ زیرا همین موضوع باعث شد تا انگلیسی‌ها برای جلب کمک دولت آمریکا برای ساقط کردن دولت دکتر مصدق به‌طور کاذب خطر حزب توده را بزرگ جلوه دهند.^۳

سرانجام آمریکا تصمیم گرفت برای سرنگونی دولت دکتر مصدق با انگلستان متحد شود. پس از آن سازمان سیا مأموریت یافت نقشه‌ی کودتا را طراحی کند و ژنرال آمریکایی ژرمن شوارتسکف^۴ جهت تشویق شاه برای مشارکت فعال کودتا به ایران آمد.^۵ او از شاه خواست تا حمایت‌های خود را از زاهدی به مرحله‌ی اجرا درآورد^۶ اما شاه هم‌چنان دچار تردید و سردرگمی بود، زیرا از عواقب سوء شکست کودتا وحشت داشت.^۷

هندرسون سفیر آمریکا در تهران و کریمت روزولت^۸، مدیر کودتا، فشار بر شاه را بیش‌تر کردند. هندرسون به شاه هشدار می‌داد که اگر مصدق در سمت خود باقی بماند و سیاست‌های نفتی خود را ادامه دهد، ایران هم‌چنان رو به ویرانی می‌رود.^۹ او تأکید می‌کرد که در صورت عدم همکاری شاه با

۱- گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۵.

۲- همان، ص ۲۶.

۳- وود هاوس، عملیات چکمه، ص ۲۷؛ روزولت، کودتا در کودتا، ص ۶۰؛ لپینگ، سقوط امپراتوری انگلستان و دولت مصدق، ص ۵۶؛ گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۳۸ به بعد.

۴- H-Norman Schwazkoph وی که قبلاً ریاست هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران را بر عهده داشت، رابطه‌ی دوستانه‌ای با شاه داشت.

۵- بیل، شیر و عقاب، ص ۱۰۵؛ اسناد سازمان سیا، ص ۱۷ و ۱۸؛ پیش از این اسدالله رشیدیان، جاسوس ارشد سرویس اطلاعاتی انگلستان، به عنوان سخنگوی رسمی دولت انگلستان با شاه ملاقات کرد و درباره‌ی همکاری‌های آمریکا و انگلستان در عملیات سرنگون‌سازی دولت مصدق به شاه اطمینان خاطر داد.

۶- عملیات آزاکس، ص ۶۳ و ۶۴.

۷- موحد، خواب آشفته‌ی نفت، ج ۲، ص ۷۹۵.

۸- Kermit Roosevelt نوه‌ی تئودور روزولت رئیس‌جمهور آمریکا.

۹- مصدق و کودتا، ص ۵۹.

انجام کودتا، خاندان سلطنتی سقوط خواهد کرد.^۱

۲- انگلستان: حل بحران نفت از طریق اعمال قدرت نظامی و توسل به کودتا برای نخستین بار از سوی دولت انگلستان طراحی شد. این طرح تحت عنوان «عملیات چکمه»^۲ طراحی شد. دولت انگلستان با استفاده از شبکه‌ی جاسوسی خود که از دیرباز در ایران فعالیت داشت^۳، به شکل‌های گوناگون اقدام به تضعیف حکومت دکتر مصدق کرد.^۴ از جمله‌ی این اقدامات تحریم نفت ایران و تهدید کشورهای خریدار نفت ایران به تعقیب قضایی و مجازات بود.^۵

وقتی آمریکا با انگلستان در براندازی دولت مصدق همراه شد طرح «عملیات چکمه»ی انگلستان به طرح «عملیات آژاکس»^۶ مبدل شد و رهبری آن به دست کریمت روزولت آمریکایی سپرده شد.

پیش‌تر بدانید

قطع روابط سیاسی ایران و انگلستان و تعطیلی سفارت انگلستان در تهران ضرورت همکاری آمریکا را در براندازی دولت مصدق دو چندان می‌کرد.^۷ با وجود این با روی کار آمدن دولت آیزنهاور در ژانویه ۱۹۵۳ دی ماه ۱۳۳۱، سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران با دولت انگلستان همسوتر و شدیدتر شد. علاوه بر این، آن‌ها نمی‌توانستند، جنبش‌های ملی درخاورمیانه را که دارای جنبه‌های ضداستعماری بود، نادیده بگیرند. با این همه عامل عمده‌ای که باعث شد آمریکا رهبری کودتا را بر عهده گیرد، سهم شدن این کشور در منافع نفتی ایران بود. هدفی که آمریکا پس از کودتا با انعقاد قرارداد کنسرسیوم به آن دست یافت.^۸

۱- عملیات آژاکس، ص ۱۲ و ۵۸-۶۰.

۲- Boot Operation

۳- ن.ک: علم، نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت در ایران و پیامدهای آن، ص ۱۵۲ به بعد. گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۱۵۶-۱۵۹.

۴- ن.ک: وودهاس، شرح عملیات چکمه، اسرار کودتای ۲۸ مرداد، ص ۳۸ و ۳۹؛ علم، نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن، ص ۳۴۵-۳۵۱؛ عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۹۸.

۵- ن.ک: فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۵۶۸؛ نجاتی، جنبش ملی شدن نفت ایران، ص ۲۱۲. اقبال، نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۸۷؛ مصدق، اسناد نفت و نطق‌ها و نامه‌های تاریخی، ص ۱۶۷-۲۱۳.

۶- Ajax Operation

۷- وودهاس، عملیات چکمه، ص ۳۱۸.

۸- ن.ک: بیل، عقاب و شیر، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۸۳؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ عملیات آژاکس. بررسی اسناد CIA درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد. ص ۱۵۳.

بنابراین آمریکا و انگلیس با هدف تصاحب منابع عظیم نفتی ایران سیاست‌هایی همگام علیه نهضت ملی در پیش گرفتند.

شوروی نیز با وجود شدت یافتن جنگ سرد با آمریکا در این دوران، برای کمک به ایران کاری انجام نداد و در شرایط سخت بحران اقتصادی ناشی از تحریم نفت ایران حتی از پرداخت بدهی‌های خود به ایران سرباز زد.^۱

ب – عوامل داخلی:

۱- حزب توده: این حزب از آغاز نهضت ملی شدن نفت، جنبش را به عنوان یک حرکت وابسته به سرمایه‌داری غرب متهم می‌کرد و تنها خواستار ملی شدن نفت جنوب بود^۲ زیرا نفت شمال را حق شوروی می‌دانست.

حزب توده به دلیل وابستگی‌اش، از منافع شوروی حمایت می‌کرد و رفتار خصمانه‌ی خود را با دکتر مصدق هیچ‌گاه تغییر نداد، اما پس از واقعه‌ی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ برخی از رهبران حزب تصمیم به حمایت از دکتر مصدق گرفتند^۳ و در مواردی چون خروج شاه از کشور (توطئه‌ی ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱) و فرارندوم دکتر مصدق برای انحلال مجلس دوره‌ی هفدهم این حمایت ادامه یافت.

در فاصله‌ی کودتای نافرجام ۲۵ مرداد تا کودتای ۲۸ مرداد حزب توده با وجود داشتن تشکیلات وسیع و سازمان نظامی^۴، نیروهایش را از خیابان‌ها فراخواند و در برابر کودتا هیچ واکنشی به جز پایین کشیدن مجسمه‌های شاه و شعار الغای سلطنت و استقرار جمهوری دموکراتیک که به بهره‌برداری کودتاچیان در جنگ روانی منجر شد، انجام نداد.^۵

سازمان نظامی حزب توده از طریق شبکه‌ی اطلاعاتی خود در ارتش از توطئه‌ی کودتا آگاه بود. آن‌ها به دلیل این‌که پست‌های نظامی مهمی را در اختیار داشتند، می‌توانستند به شکست کودتا کمک کنند.^۶

۱- دولت شوروی به خاطر خرید گندم از ایران در زمان جنگ جهانی دوم یازده تن طلا به ایران بدهکار بود.

۲- بهروز، شورشیان آرمان‌خواه یا ناکامی چپ در ایران، ص ۴۴؛ منتصری، در آن سوی فراموشی، ص ۵۰؛ کشاورز، من متهم می‌کنم، ص ۷۷.

۳- امیر خسروی، نظر از درون به نقش حزب توده‌ی ایران، ص ۳۳۹؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۷۴.

۴- سازمان نظامی یا سازمان افسران حزب توده‌ی ایران.

۵- ذبیح، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ص ۳۱۴-۳۱۶؛ امیر خسروی، نظر از درون به نقش حزب توده‌ی ایران، ص ۶۱۵.

۶- ن. ک. خسرو پناه، سازمان افسران حزب توده‌ی ایران، ص ۱۵۹-۱۷۲؛ اسکندری، خاطرات سیاسی، ج ۳، ص ۴۰؛ کشاورز،

من متهم می‌کنم، ص ۱۳؛ بهروز، شورشیان آرمانخواه، ص ۵۷-۵۹.

پس از پیروزی کودتا، حزب توده هم چون کوه یخ آب شد و رهبران آن از کشور گریختند و برای نجات جان خود با سران کودتا همکاری کردند. برخی از اعضای حزب توده نیز بعدها به خدمت ساواک درآمدند.^۱

بیش‌تر بدانید

شبکه‌ی «بدامن»^۲ پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ م با هدف مقابله با توسعه‌ی روزافزون نفوذ شوروی و حزب توده در ایران توسط انگلیسی‌ها شکل گرفت. این شبکه اقدام به یک سلسله عملیات با رمز «بدامن» کرد. این عملیات‌های سیاسی و تبلیغاتی به سرپرستی دو تن ایرانی با نام رمز «زن» و «سیلی» اداره می‌شد که متشکل از ۱۳۰ عامل بودند و بودجه‌ی آنان یک میلیون دلار بود.^۳

۲- شبکه‌ی بدامن: این شبکه موفق شد با نفوذ در برخی از جریان‌های سیاسی و احزاب^۴ به ایجاد تشکلت سیاسی، بدبینی نسبت به رهبران نهضت و اختلاف افکنی دامن زند. پیچیدگی فعالیت‌های این شبکه در این بود که هم از حوزه‌ی نظارت حزب توده و هم دولت خارج بود. در ابتدای امر هر دو تصور می‌کردند که این فعالیت‌ها به نفع سیاست‌های آن‌ها صورت می‌گیرد.^۵

یکی از اقدامات شبکه‌ی بدامن آشوب خیابانی ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰ همزمان با ورود «اورل هرین»^۶ نماینده‌ی مخصوص ترومن (رئیس جمهور آمریکا) بود که نیروهای بانفوذ این شبکه در حزب توده دست به کارهایی زدند تا نگرانی از حزب توده بیش‌تر شود. در این واقعه حدود ۲۰ نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند.^۷ از جمله اقدامات دیگری که این شبکه در آستانه‌ی کودتای ۲۸ مرداد انجام داد، حمله به خانه‌ی آیت‌الله کاشانی و پرتاب نارنجک در مراسم عزاداری به نام طرفداران دکتر مصدق بود.

۱- مقاومت در برابر کودتاجیان تنها در اعضای رده پایین حزب توده صورت گرفت. از میان کادر رهبری افرادی چون بهرامی، یزدی، شرمینی و قریشی با رژیم همکاری داشتند و برخی تا آن‌جا پیش رفتند که اسرار تشکیلاتی و شبکه‌ی حزبی را در اختیار حکومت کودتا گذاشتند. ن. ک: بهروز، شورشیان آرمانخواه، ص ۴۷.

۲ - Bedamen

۳- گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا، ص ۲۷. همچنین گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۳۴۴.

۴- از جمله حزب توده، جبهه ملی، حزب زحمتکشان، نیروی سوم و حزب ایران...

۵- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۷۹-۱۸۱؛ امیرخسروی، نظر از درون به نقش حزب توده ایران،

ص ۵۹۹-۶۰۹؛ اسناد سازمان سیا، سایت اینترنت مجله نیویورک تایمز، ص ۸۰.

۶- Averell Herriman

۷- ن. ک: گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۵۵-۳۲۱.

آن‌ها هم‌چنین دست کم شش روزنامه‌ی ضد دولتی در تهران منتشر کردند که در عملیات جنگ روانی کودتا مؤثر بود.^۱

۳- شاه و دربار: شاه از پیامدهای نهضت ملی شدن نفت بیمناک بود. تجربه‌ی اخراج پدرش توسط انگلیسی‌ها در شهریورماه ۱۳۲۰ سوءظن مزمنی را نسبت به انگلیسی‌ها در او ایجاد کرده بود.^۲ او در ابتدا نه جرئت همراهی با نهضت ملی شدن نفت را داشت و نه شجاعت مخالفت با آن را؛ زیرا از پیامدهای آن هراس داشت. او نگران بود قدرت خود را از دست بدهد.^۳ با وجود این نیروهایی که در اطراف شاه و در دربار جمع شده بودند، پیوسته درصدد بودند تا مانع به قدرت رسیدن دکتر مصدق شوند.^۴

پس از به قدرت رسیدن دکتر مصدق برای شاه مسلم شد که ادامه‌ی حکومت دکتر مصدق آثار ویرانگری برای سلطنت وی به همراه خواهد داشت. اما شاه قدرت مقابله با نهضت ملی شدن نفت و حکومت دکتر مصدق را نداشت و به روش‌های مختلف در سایه‌ی حامیان خارجی (دولت انگلستان) و عوامل آن‌ها که در دربار نفوذ دیرینه‌ای داشتند، تلاش می‌کرد در مقابل نهضت ایستادگی کند.^۵ اشرف پهلوی خواهر شاه^۶، مادرشاه، اسدالله علم و شاپور ریورتر از عناصر فعال دربار به‌شمار می‌رفتند. آن‌ها به همراه سفارت انگلستان به دسیسه‌چینی و توطئه برای تضعیف دولت مصدق پرداختند.^۷ درباریان برای حفظ منافع و سلطه‌ی آن دولت حاضر به هرگونه همکاری با انگلیسی‌ها بودند.^۸ دکتر مصدق که از دسیسه‌چینی‌های دربار مطلع بود، تلاش کرد تا قدرت دربار را محدود کند و پس از قیام مردم در سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱، اشرف پهلوی و مادرش را به خارج از کشور تبعید کرد.^۹

۱- ن.ک: گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، ص ۵۸؛ عملیات آزاکس، بررسی اسناد CIA درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد ص ۱۴۷-۱۴۵؛ سایت اینترنتی مجله نیویورک تایمز، اسناد سازمان سیا، ص ۲۵.

۲- مجله تاریخ معاصر ایران، ش ۴، سال ۱۳۷۱.

۳- ن.ک: وودهاوس، عملیات چکمه، اسرار کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۷.

۴- پیل، شیر و عقاب، ص ۶۸.

۵- گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۵۵.

۶- اشرف خواهر دو قلولی شاه، دکتر مصدق را عوام‌فریب و متعصب می‌خواند. اشرف همچنین اعتراف کرده است که او و مصدق نسبت به یکدیگر کینه‌ی شخصی شدیدی دارند.

۷- گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۵۶.

۸- علم، ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن، ص ۳۶۵.

۹- گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۵۵.

بیش‌تر بدانید

تا زمانی که اتحاد و همبستگی میان رهبران نهضت وجود داشت شاه جرأت رویارویی با دولت دکتر مصدق را نداشت.^۱ اما زمانی که کانون‌های توطئه‌گر خارجی و عوامل داخلی آن‌ها با استفاده از اختلافات موجود میان رهبران نهضت اقدام به تضعیف نهضت ملی کردند نقش شاه و دربار در تقابل با حکومت دکتر مصدق پررنگ‌تر شد.

از نظر کودتاجیان برخورداری از حمایت شاه برای موفقیت طرح براندازی و کودتا علیه دکتر مصدق بسیار مؤثر بود. اشرف در این ماجرا به عنوان بخشی از عملیات مشترک سیا و سرویس مخفی انگلستان (ام.آی.سیکس)^۲ نقش خود را ایفا کرد. او که در خارج از کشور در تبعید به سر می‌برد،^۳ پس از ملاقات‌های محرمانه با مأموران جاسوسی آمریکا و انگلستان با نام مستعار در سوم مرداد ۱۳۳۲ وارد تهران شد تا پیام‌ها و نقشه‌های کودتا را به اطلاع شاه برساند.^۴

۴- **مطبوعات:** کودتاجیان با استفاده از مطبوعات به سازماندهی افکار عمومی پرداختند. آن‌ها از این طریق توانستند با ایجاد شایعات و تبلیغات ویرانگر به تخریب شخصیت دکتر مصدق و ایجاد نارضایتی عمومی از دولت او و تشدید اختلاف‌ها دامن بزنند.^۵

در چنین شرایطی دکتر مصدق به بهانه‌ی نفوذ و تحریکات بیگانگان در مجلس،^۶ تصمیم گرفت مجلس دوره‌ی هفدهم را منحل کند.^۷ تلاش آیت‌الله کاشانی برای جلوگیری از انحلال مجلس به جایی

۱- ن. ک: مقصودی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران، فصل پنجم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و علل وقوع آن، نوشته‌ی علی اصغر زرگر، ص ۱۳۸.

۲- M.I.6: سازمان اطلاعات انگلستان (اینتلجنس سرویس) می‌باشد. (نظیر سازمان سیا در آمریکا) ایجاد شبکه‌های مأمور در کشورهای مورد نظر، کسب هرگونه اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی، تلاش برای تغییر دولت‌ها از جمله وظایف این سازمان است.

۳- اشرف در این زمان در یک کازینو (قمارخانه) در «دوریل فرانسه» مشغول قمار بود. طبق اسناد منتشر شده‌ی سازمان سیا درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد، سرهنگ استیفن جانسون مید (Colonel Stephen Johnson Mead) به نمایندگی از سوی سازمان سیا با اشرف در پاریس گفتگو کرد و او را برای بازگشت به ایران و ملاقات با شاه ترغیب کرد. ن. ک: اسناد سازمان سیا، ص ۱۵؛ گازیو روسکی؛ روابط خارجی شاه و آمریکا، ص ۱۳۸.

۴- بیل، شیر و عقاب، ص ۱۵۰.

۵- عملیات آژاکس، ص ۲۶، ۲۷ و ۳۱. تندروی احزاب سیاسی موافق و مخالف دولت دکتر مصدق و ادبیات گزنده و مخرب روزنامه‌های وابسته و غیروابسته افراطی به آن‌ها، آثار سویی در افکار عمومی مردم داشت و موجب خیال‌آفرینی و تشتت سیاسی در روزهای حساس قبل از کودتا بود.

۶- در حالی که مستمسک اعمال نفوذ بیگانه نباید دلیل انحلال مجلس می‌شد. خصوصاً این‌که مجلس هفدهم به دلیل مشروعیت از مهم‌ترین مجالس پس از شهریور ۱۳۲۰ بود.

۷- عظیمی، بحران دمکراسی در ایران، ص ۴۲۶.

نرسید.^۱ انحلال مجلس فرصت مناسبی برای کودتاجیان فراهم کرد؛ زیرا مشروعیت رئیس دولت را به‌طور آشکاری مخدوش کرد. همین عامل باعث هموار شدن عملیات کودتا شد.^۲ کودتاجیان با استناد به انحلال مجلس که با رأی اعتماد خود به دولت دکتر مصدق به دولت او مشروعیت داده بود، اظهار می‌کردند که دولت دکتر مصدق غیرقانونی است.^۳

بیش‌تر بدانید

کرمیت روزولت ضمن برشماری مزایای حمایت شاه از کودتا می‌گوید، آخرین تضمین برای رفع شبهه و تردید شاه در براندازی مصدق و حمایت از کودتا این بود که آیزنهاور (رئیس‌جمهور آمریکا) این مطلب را با بیان جمله‌ای خاص و رمزی در یک سخنرانی اعلام و چرجیل (نخست‌وزیر انگلیس) نیز تریبی بدهد تا در ساعت اعلام برنامه‌ی رادیو. بی.بی.سی. در شب بعد، به جای گفتن اکنون نیمه‌شب است، بگوید: «اکنون درست نیمه شب است»^۴. شاه در اوایل مرداد این رمزها را از رادیو دریافت کرد.^۵

۱- اخوی، نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران، ص ۱۸۲.

۲- اسناد سازمان سیا، ص ۲۰ و ۲۱.

۳- ن.ک. گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۱۱۷.

۴- روزولت، کرمیت، کودتا در کودتا، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۵- وودهاوس، عملیات چکمه، ص ۱۷؛ هم‌چنین ن.ک. : عملیات آژاکس، بررسی اسناد کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱۵۹-۱۶۰؛

گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۳۴۵.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چه عواملی موجب شد که مصدق در دور دوم نخست‌وزیری از حمایت مردم محروم بماند؟
- ۲- انگلستان از چه راه‌هایی همکاری آمریکا برای انجام کودتا در ایران را جلب کرد؟
- ۳- انگلستان از چه راه‌هایی به تضعیف دولت مصدق پرداخت؟
- ۴- موضع حزب توده نسبت به دولت مصدق چه بود و عملکرد آن حزب در کودتای ۲۸ مرداد چگونه بود؟
- ۵- در دوره‌ی نخست‌وزیری مصدق، عناصر فعال دربار چه کسانی بودند و چگونه به تضعیف دولت مصدق پرداختند؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- از کتاب‌های خاطرات که در سال‌های اخیر منتشر شده، مطلبی در مورد قیام ۳۰ تیر تهیه کنید و در کلاس بخوانید.
- ۲- در مورد یکی از گروه‌های وابسته به بیگانه که در زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد نقش داشتند، مطلبی تهیه کنید.